

به نام خداوند جان و خرد

کورش بزرگ چه کسی بود؟

گردآورنده:

ابوالفضل طاهریان ریزی



سرشناسه: طاهریان ریزی، ابوالفضل، ۱۳۵۲- گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور: کوروش بزرگ چه کسی بود؟/گردآورنده ابوالفضل طاهریان ریزی.
مشخصات نشر: تهران: طاهریان، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۷۲ ص:؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۸۴-۱۶۸-۳
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: کوروش هخامنشی، شاه ایران، - ۵۲۹ ق.م. -- ادبیات نوجوانان
موضوع: Cyrus, The Great, King of Persia -- Juvenile literature
هخامنشیان، ۵۵۸ - ۳۳۰ ق.م. -- ادبیات کودکان و نوجوانان -- تاریخ -- ایران
موضوع: Iran -- History -- Achaemenians, 558 - 330 B. C. -- Juvenile literature
رده بندی کنگره: DSR ۲۳۶
رده بندی دیویی: [ج] ۹۹۵/۰۱۵
شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۶۶۴۵



«کوروش بزرگ چه کسی بود؟»

● گردآورنده: ابوالفضل طاهریان ریزی

- ناشر: انتشارات طاهریان ● نوبت چاپ: دوم ● سال چاپ: ۱۴۰۲ ● تیراژ: ۱۰۰ جلد
- قیمت: ۵۰/۰۰۰ تومان ● تایپ، صفحه بندی و طرح جلد: آرزو خسروپور ● چاپ: شهر
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۸۴-۱۶۸-۳ ● شابک الکترونیک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۸۴-۱۶۹-۰

آدرس: میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، خیابان لبافی نژاد، پلاک ۲۶۶، طبقه چهارم، واحد ۱۱
تلفن: ۶۶۹۷۰۷۶۷-۶۶۴۹۲۷۳۳ تلفکس: ۶۶۹۷۴۱۵۲ www.Taherianpress.com

با تشکر از همراهی هوشمندانه شما خواننده محترم، به اطلاع می‌رساند برای بهره‌گیری از تسهیلات و خدمات نوین حمایتی انتشارات طاهریان و همچنین شرکت در قرعه‌کشی خوانندگان ویژه مجموعه کتاب‌های به سوی موفقیت، لطفاً حتماً عدد ۱ را به شماره ۱۰۰۷۰۸۷ ارسال کنید تا یکی از برندگان ما باشید.

مقدمه

کوروش دوم (به پارسی باستان: 𐎠𐎼𐎷𐎡𐎴 𐎧𐎫𐎷𐎡𐎴) کوروش بزرگ یا کوروش کبیر، که کورش هم نوشته می‌شود، بنیان‌گذار و نخستین شاه شاهنشاهی هخامنشی بود که به مدت سی سال، در بین سال‌های ۵۵۹ تا ۵۲۹ پیش از میلاد، بر نواحی گسترده‌ای از آسیا حکومت می‌کرد. کوروش در استوانه خود که در بابل کشف شده، خودش را «فرزند کمبوجیه، شاه بزرگ انشان، نواده کوروش، شاه بزرگ انشان، نوادهٔ چیش‌پیش، شاه بزرگ انشان، از خانواده‌ای که همیشه پادشاه بوده‌است» معرفی می‌کند. به گفته هرودوت، کوروش نسب شاهانه داشته‌است و به جز کتسیاس، دیگر نویسندگان یونانی، ماندانا، دختر آستیگ را مادر کوروش دانسته‌اند و گزارش داده‌اند که کوروش حاصل ازدواج کمبوجیه یکم و ماندانا بوده‌است. برخی از مورخان امروزی این روایت را معتبر می‌دانند اما برخی دیگر اعتقاد دارند که رواج این روایت ریشه‌های سیاسی داشته‌است و هدفش این بوده که از بنیان‌گذار شاهنشاهی هخامنشی، مردی نیمه‌مادی بسازد تا مادها را با فرمانروایی پارس‌ها آشتی دهد و اصولاً رابطه‌ای بین ماندانا دختر آستیگ و کوروش قائل نیستند و آن را افسانه می‌دانند. درباره کودکی و جوانی کوروش و سال‌های نخستین زندگی او، روایت‌های گوناگونی وجود دارد؛ اگرچه هر یک، سرگذشت زاده شدن وی را به شرح خاصی

نقل کرده‌اند؛ اما شرحی که آن‌ها درباره ماجرای زایش کوروش ارائه داده‌اند، بیشتر، شبیه افسانه است. هرودوت در مورد دستیابی کوروش به قدرت، چهار داستان نقل می‌کند؛ ولی فقط یکی از آن‌ها را معتبر می‌داند. طبق نظر کسنوفون از سده پنجم تا سده چهارم پیش از میلاد مسیح، سلسله داستان‌های متفاوتی درباره کوروش، نقل می‌شده‌است. کوروش ابتدا علیه ایشتوویگو، شاه ماد، به جنگ برخاست و سپس به پایتخت حکومت ماد در هگمتانه یورش برد و با کمک‌هایی که از درون سپاه ماد به او شد، هگمتانه را فتح کرد. سپس کرزوس، شاه لیدیه را شکست داد و به‌سوی سارد لشکر کشید و پس از دو هفته، شهر سارد به اشغال نیروهای ایرانی درآمد. کوروش مسئولیت فتح دیگر شهرهای آسیای صغیر را به فرماندهانش واگذار کرد و خود به اکباتان بازگشت و به‌سوی «پارت»، «زرنگ»، «هرات»، «خوارزم»، «باختر»، «سغد»، «گندار»، «ته‌تگوش» و «ارخواتیش» لشکر کشید. جزئیات این جنگ‌ها در تاریخ ثبت نشده‌است و اطلاع کمی درباره جزئیات این نبردها وجود دارد.

در بهار سال ۵۳۹ پیش از میلاد، کوروش آهنگ تسخیر بابل را کرد و وارد جنگ با بابل شد. به گواهی اسناد تاریخی و عقیده پژوهشگران، فتح بابل بدون جنگ بوده‌است و توسط یکی از فرماندهان کوروش به‌نام گئوبروه در شب جشن سال نو انجام شد. هفده روز پس از سقوط بابل، در روز ۲۹ اکتبر سال ۵۳۹ پیش از میلاد، خود کوروش وارد پایتخت شد. تصرف بابل نقطه عطفی بود که باعث ایجاد امپراتوری بزرگی در آسیای مرکزی و غربی شد و زمینه بازگشت یهودیان تبعیدی به

میهن‌شان در سرزمین فلسطین (کنعان) را فراهم کرد. کوروش همچنین دستور داد که پرستش‌گاه اورشلیم را بازسازی کنند و ظروف و اشیای طلایی و نقره‌ای را که نبوکدنصر، شاه بابل، از اورشلیم ربوده بود، به یهودیان تحویل داد. استوانه کوروش پس از شکست دادن نبونعید و تصرف بابل، نوشته شده و به منزله سند و شاهد تاریخی پرارزشی است. در سال ۱۹۷۱ میلادی، سازمان ملل متحد استوانه کوروش را به همه زبان‌های رسمی سازمان منتشر کرد و بدلی از این استوانه در مقر سازمان ملل در شهر نیویورک قرار داده شد.

هرودوت گزارش می‌دهد که کوروش در جنگ با ماساگتها کشته شد؛ ولی این دیدگاه را بیش‌تر مورخان جدید رد می‌کنند و معتقدند که داستان هرودوت ساختگی است.

تنها منبع موثق کهنی که غیرمستقیم به مرگ کوروش اشاره می‌کند، دو لوح و سند گلی یافت‌شده در بابل است که نخستین آن مربوط به دوازدهم اوت ۵۳۰ پیش از میلاد است که تاریخ آن «نهمین سال کوروش، شاه کشورها» را نشان می‌دهد. سند دوم که مربوط به سی و یکم اوت ۵۳۰ پیش از میلاد است، «سال آغاز فرمانروایی کمبوجیه، شاه کشورها» را بر خود دارد. این دو سند که در ظاهر اهمیت چندانی ندارند، در واقع نشان می‌دهند که کوروش در فاصله بین ۱۲ تا ۳۱ اوت سال ۵۳۰ پیش از میلاد درگذشته‌است یا حداقل، خبر مرگ وی و برتخت‌نشینی کمبوجیه در این تاریخ به بابل رسیده‌است.

پیش از سال ۵۵۰ قبل از میلاد پارس‌ها نقش به‌سزایی در تحولات دنیا بازی نمی‌کردند اما در این سال پیروزی‌ها و فتوحات کوروش بر

سلاطین همسایه آغاز گردید. کوروش یک نظامی نابغه بود، به طوری که بین سال‌های ۵۵۰ تا ۵۳۹ پیش از میلاد با فرماندهی موفق لشکریانش پیروزی‌های متعددی کسب نمود. گستردگی پهنه حکومت کوروش تا سال ۵۳۹ پیش از میلاد از شرق، رود سند در هندوستان و از غرب، آناتولی بود. این قلمرو حکومتی ۳۲۰۰ کیلومتر طول داشت.

کوروش بزرگ چه کسی بود؟



طراحی کوروش بزرگ از روی سنگ نگاره مرد بالدار در پاسارگاد

منابع زندگی کوروش

مهم‌ترین منابع کلاسیک یونانی برای زندگانی کوروش، هرودوت (حدود ۴۸۴ تا ۴۲۵ پیش از میلاد)، کسنوفون (حدود سال‌های ۴۳۰ تا ۳۴۵ پیش از میلاد) و کتسیاس (سال‌های ۴۱۵ تا ۳۹۸ پیش از میلاد در ایران) است. مهم‌ترین منابع شرقی، رویدادنامه معروف نبوتئید، شاه کلدانی است که از کوروش شکست خورد و گزارش خود کوروش، استوانه کوروش است.

در میان منابع کهن یونانی موجود که درباره کوروش هخامنشی سخن گفته‌اند، مهم‌ترین آن‌ها هرودوت، کتسیاس و کسنوفون هستند. با بررسی این نوشته‌ها مشخص می‌شود که در روزگاران پس از مرگ بنیان‌گذار شاهنشاهی هخامنشی، جاذبه‌ها و دافعه‌های شخصیت وی، مانند مردان بزرگ تاریخ، سرگذشت او را نزد ایرانیان در هاله‌ای از ابهام روایات گوناگون و متناقض فرو برده بود. به نظر می‌رسد، می‌توان گزارش‌های ایرانی درباره کوروش را به ۳ دسته تقسیم کرد: روایت دوستداران، روایت مخالفان، روایت میانه‌روها. از میان ۳ مورخ مشهور یونانی، کسنوفون به تبعیت از کوروش جوان، روایت دوستداران کوروش بزرگ را گزارش کرد؛ کتسیاس به پیروی از فضای حاکم بر دربار اردشیر دوم، روایت مخالفان کوروش را نقل نمود؛ و هرودوت تحت تأثیر طبع معتدل و شخصیت معقول داریوش - که تا روزگار اردشیر یکم هخامنشی نیز تداوم یافت - روایت میانه‌روها را درباره کوروش در بیان آورد.



آرامگاه کوروش بزرگ

هرودوت

از میان منابع کهن، نوشته‌های هرودوت تا حدودی قابل اعتماد است و پژوهش‌های نوین باستان‌شناسی هم در پاره‌ای از موارد، گفته‌های او را تأیید می‌کنند. مورخین معاصر، معتقدند که هرودوت همواره مسائل مهم تاریخی را با افسانه‌پردازی آمیخته است. هرودوت دوران کودکی و رشد کوروش را بر اساس افسانه‌های عامیانه و غیرواقعی نقل می‌کند. هرودوت، صفاتی کاملاً منفی به کوروش نسبت می‌دهد و این صفات، گاه حتی جنبه غالب به خود می‌گیرند. گرچه تصویر سنتی، جنبه‌های مثبت شاه را مخدوش نمی‌سازد و بر آن اثری ندارند. کوروش نیز گاه

ممکن بوده سختگیر و بی‌مدارا، تندخو و آتشین مزاج شود. عاقبت کار او نیز، تصویری از اندیشه هرودوت درباره فرمانروایی توسعه‌طلب است که وقتی از حد خود فراتر رفته، قادر به تحقق اهداف خود نگشته‌است. منتهی هرودوت، به رغم احتیاط‌های خود نسبت به برخی سنت‌های شفاهی درباره کوروش، نتوانسته درباره جذابیت شخصیت پادشاه پارس، مقاومت کند.

کسنوفون

درباره کسنوفون و کتاب او، «سیرت کوروش» (یا کوروش‌نامه) باید گفت که سرشت تخیلی و تصور کتاب او تا مدت‌ها، مورد قبول خاورشناس‌ها بوده‌است؛ اما این کتاب، امروزه در شمار آثار ویژه ادبی طبقه‌بندی شده‌است. این کتاب، گرچه بازتاب مشاهدات شخصی کسنوفون در مقام نویسنده (سرباز و شاهد عینی سبک زندگی پارسی‌ها) است، و گرچه ممکن بوده بعضی اطلاعات درباره پارسی‌ها را در میان خوانندگان خود بدیهی فرض کرده باشد، اما هرگونه سنجش و ارزیابی کوروش‌نامه، به عنوان کتابی تاریخی، پذیرفتنی نیست. در گذشته، بر منش یونانی این کتاب به درستی، تأکید شده و آن را با «آیین‌های شاهزادگان» قیاس کرده‌اند که حاصل مباحثات درباره دولت آرمانی (و سیاست‌مدار آرمانی) بوده که در سده چهارم پیش از میلاد، در هلاس مقبولیت و محبوبیت عام زیادی داشته‌است. با وجود این، دانشمندان پسین‌تر، این تصویر را مرتبط با حماسه سنتی ایران و فولکلور ایرانی دانسته‌اند. گرچه دانش امروزی ما، اهمیت نسبی این دو